

مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن بنیان^۱

شیرین رشیدی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن بنیان است. این پژوهش از لحاظ رویکرد تحقیق در زمره تحقیقات کیفی و قیاسی قرار دارد و از لحاظ روش تحقیق، تحلیلی - استنباطی است. همچنین از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای و فیش برداری تهیه شده است. از جمله یافته‌های تحقیق می‌توان به مبانی فلسفی تربیت انسان منظم شامل مبانی عام خداشناختی (وجود ناظم و وحدت ناظم)، هستی‌شناختی (آفرینش منظم و مرحله‌مند جهان)، دین‌شناختی (تقدم نزول آیات مکی بر آیات مدنی، نظم درونی آیات، نظم در تشریح و تقدم ایمان بر عمل صالح) و مبانی خاص انسان‌شناختی (آفرینش منظم و مرحله‌مند انسان و نظم‌شناسی فطری) اشاره کرد. براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت آثار تربیت انسان منظم شامل دو دسته آثار نظری (تقدم و تأخر در مراحل تفکر و دوراندیشی) و آثار عملی (برنامه‌ریزی، احترام به قانون و مقررات، وقت‌شناسی و...) است.

واژگان کلیدی:

انسان منظم، فلسفه تعلیم و تربیت قرآن بنیان، مبانی، آثار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵.

rashidi66@atu.ac.ir

۲- استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

بیان مسئله

حقیقت آدمی «نفس» یا خویشتن اوست و «بدن» حکم مرکب برای نفس را دارد (نراقی، ۱۳۹۲، ص ۲۵). *مِنَ الْفَاطِرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: «الشَّيْءُ مِنْ غَلَبَ نَفْسَهُ»*؛ پیامبر ﷺ فرمودند: «نیرومند کسی است که بر نفسش غلبه کند» (عاملی، ۱۳۹۴، ص ۱۶). از سوی دیگر سعادت دو جهان در گرو شناخت نفس یا خویشتن است و شناخت خویشتن منجر به شناخت خداوند می‌شود. یکی از مواردی که در فرایند شناخت خویشتن همواره باید مورد توجه قرار گیرد، تأمل در مسئله «نظم» در وجود خویش از یک سو و جهان خلقت از سوی دیگر است: «سَنَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت، ۵۳). انسان با تفکر در وجود خود و نیز در مخلوقات خداوند متعال و نظام هستی، نیاز به ایجاد ملکه نظم را در زندگی احساس، آثار آن را در خود و دیگران مشاهده و برای نظام بخشیدن هر چه بیشتر به زندگی خویش برنامه‌ریزی می‌کند. نظم و انضباط نه تنها در زندگی و سیره پیامبران الهی جاری بوده، بلکه هستی (کتاب تکوین خدا) و قرآن کریم (کتاب تشریح و تدوین خدا) نیز از مظاهر بارز نظم کامل الهی‌اند (اکبری دستک، ۱۳۹۰). نظم و نظام در خلقت یعنی این عالم تصادفی - یعنی بدون علت - به وجود نیامده است. (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۴، ص ۶۳).

اما نظم چیست؟ اهل لغت نظم را کنار هم چیدن، مرتب کردن و به رشته درآوردن اشیاء تعریف کرده‌اند (البستانی، ۱۳۹۴، ص ۷۱۲). گروهی انضباط را وجود جو و شرایط خاصی در سازمان تعریف کرده‌اند که کارکنان را ملزم می‌کند رفتاری معقول و مقبول و در چارچوب قوانین و مقررات سازمان در پیش گیرند (سعادت، ۱۳۸۶، ص ۳۰۶). نظم و نسق به معنی به سامان آوردن، نظم و ترتیب دادن، آراستگی، استواری و انتظام است (دهخدا، ۱۳۹۵، صص ۱۹۶۱ - ۱۹۶۰). همچنین نظم، سامان دادن، به هم پیوستن و برپا داشتن است (قریب، ۱۳۶۷، ص ۱۲۴۱). نظم در لغت به معنای سامان و آرایش است و در معنای مصدری به معنی جمع کردن و سامان دادن در طریقی است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۲، صص ۵۷۶ - ۵۷۸). در قرآن واژه «تسویه» نیز به معنای مرتب کردن آمده است (قرشی، ۱۳۹۰، ج ۳ و ۴، ص ۳۵۸). شواهد قرآنی که به مفهوم نظم اشاره دارد عبارتند از: *«فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَفْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ مَّنْضُودٍ مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ»* (هود، ۸۲)؛ «نضد» به معنی روی هم چیدن، از نظم و ترتیب حکایت می‌کند (قرشی، ۱۳۹۰، ج ۵، ۶ و ۷، ص ۷۶). «... وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (بقره، ۱۴۳)؛ «لِيُضَيِّعَ ضِيَاعٌ» به معنای محو شدن صورت و نظم شیء است؛ به گونه‌ای که دیگر اثر مورد انتظار بر آن مترتب نشود و بدون استفاده بماند. «اضاعه» از همین ریشه بدین معناست که چیزی را با در هم ریختن نظم و انسجام آن از خاصیت و اثر بیندازند (جوادی آملی،

۱۳۸۱، ج ۷، ص ۳۲۰). نظم دارای محتوا و عناصری است که عرصه‌های مختلف آن را می‌سازد. از جمله: هدف، برنامه‌ریزی، مدیریت، انگیزه، فرهنگ، پشتکار و... (جلال‌تین اکبرنیا، ۱۳۸۶). از میان تعاریفی که برای مفهوم نظم مطرح شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- نظم یا موزون بودن، هماهنگی مجموعه‌ای از اجزاست که هدف خاصی را دنبال می‌کنند. دستیابی به این هدف در گرو رابطه کمی و کیفی میان اجزای مجموعه است (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۵۲).
۲- نظم به ربط وجودی بین دو یا چند چیز گفته می‌شود و نوعی هماهنگی است که در مقابل هرج و مرج قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰، صص ۲۷ - ۲۴).

۳- نظم به این معنی است که فرد شخصاً اعمال و رفتار خود را تحت قاعده در آورد، خویشترن را کنترل و هدایت کند و باتوجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام نماید (شریعت‌مداری، ۱۳۸۳، ص ۴۷۶).

۴- منظور از خودنظم‌دهی یا خودسامان‌دهی، توانایی اندیشیدن و حل کردن مسائل بدون کمک دیگران است (سیف، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶).

به این ترتیب می‌توان گفت که عناصر مشترک در تمام این تعاریف مختلف از نظم، هماهنگی، هدف‌داری و خودکنترلی است. البته باید توجه داشت که هرکدام از این عناصر شرط لازم حصول نظم به حساب می‌آیند؛ نه شرط کافی. بنابراین انسان منظم، انسانی است که کارهای خود را طبق برنامه‌ای از قبل طراحی شده، با رعایت تقدم و تأخر آن‌ها کنار هم ساماندهی، آرایش و چینش می‌کند تا اهداف خود را تحقق ببخشد.

تربیت در لغت به معنی نشو و نما دادن، زیاد کردن، مرغوب یا قیمتی ساختن است (شکوهی، ۱۳۹۴، ص ۲). تربیت در اصطلاح به مجموعه تدابیر و روش‌هایی گفته می‌شود که برای ایجاد، ابقاء و اكمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در مرتبه صورت می‌پذیرد (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۲۴). تربیت عبارت از هرگونه فعالیتی است که معلمان، والدین یا هر شخصی، برای اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر و براساس اهداف از پیش معین شده انجام می‌دهد (داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۰). معادل فارسی تربیت از ماده «ربو» را «پرورش» دانسته‌اند. همچنین خداوند در قرآن کریم برای اشاره به پرورش معنوی و اخلاقی از واژه «تزکیه» استفاده کرده است (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۰، ص ۲۷). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به معنای اعم، یکی از علوم فلسفی اسلامی است که با دو روش عقلی و نقلی به استکشاف گزاره‌های فلسفی و تربیتی برگرفته از علوم فلسفی و تربیتی بشری، استطباق گزاره‌های فلسفی و تربیتی و نیز استنتاج گزاره‌های تربیتی همت می‌گمارد. منبع گزاره‌های بخش نظری فلسفه اسلامی، قرآن کریم، سنت معصومان

علیهم السلام و عقل است. گزاره‌های انشایی و عملی همواره بر گزاره‌های اخباری و نظری استوار هستند. گزاره‌های تربیتی، بخش حکمت عملی دانش اصلی یعنی فلسفه اسلامی است (بهشتی، ۱۳۹۶).

نظم و برنامه‌ریزی نزد پیشوایان حق و ائمه معصومین علیهم السلام از چنان جایگاهی برخوردار است که حضرت علی علیه السلام در آخرین وصایای خود همگان را بدان فرا می‌خواند: «أوصيكمَا وَ جَمِيعَ وَاكِدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ» (شریف رضی، نامه ۴۷). آن حضرت وجود نظم و انضباط را در کتاب آفرینش، ساری و جاری می‌داند: «قَدَّرَ مَا خَلَقَ فَأَحْكَمَ تَقْدِيرَهُ وَ دَبَّرَهُ فَأَلْطَفَ تَدْبِيرَهُ وَ وَجَّهَهُ لِرُوحِهِ فَلَمْ يَتَعَدَّ حُدُودَ مَنْزِلَتِهِ وَ لَمْ يَبْصُرْ دُونَ أَلَانِيَتِهَا إِلَى غَايَتِهِ وَ لَمْ يَسْتَعْصِبْ إِذْ أَمَرَ بِالْمُضِيِّ عَلَى إِرَادَتِهِ» (شریف رضی، خطبه ۹۱). بنابراین وجود نظم در تمامی افعال الهی و مخلوقات خداوند و از جمله در وجود انسان حاکی از آن است که تحقق بخشیدن ملکه نظم در نفس انسان یکی از فضایل قلمداد می‌شود و لازم است با تمرین و ممارست هرچه بیشتر فعلیت یابد.

باوجود همه اهمیتی که نظم در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌ویژه از منظر آموزه‌های اسلامی دارد، تاکنون به‌صورت جامع و همه‌جانبه پژوهشی درباره مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن‌بنیان انجام نشده است. پژوهش‌های انجام شده عمدتاً به‌صورت جداگانه با تمرکز بر مفهوم «نظم و انضباط» (طیبی، ابراهیمی و جفرسته، ۱۳۹۶)، (محمودی، خادمی و له‌گانی، ۱۳۹۶)، (رضایی، بهشتی و رفیعی، ۱۳۹۵)، (مولایی، ۱۳۹۶)، (منتظر و محمدی منفرد، ۱۳۹۵)، (هاشمیان‌فرد و ابراهیمی، ۱۳۹۶) و (اکبری دستک، ۱۳۹۰) است. درحالی‌که در پژوهش حاضر سعی شده این موضوع از حیث تربیت انسان منظم و با استخراج دلالت‌های تربیتی مورد مطالعه قرار گیرد. به این منظور ابتدا مبانی نظم در فلسفه تعلیم و تربیت قرآن‌بنیان بررسی می‌شود و سپس آثار تربیت انسان منظم براساس مبانی فلسفی آن تبیین خواهد شد.

درمجموع اهمیت و ضرورت این تحقیق از چند زاویه قابل تبیین است:

الف) کمک به رفع کاستی‌ها و کمبودهایی که در رشته فلسفه تعلیم و تربیت در سطح دانشگاه‌ها پیرامون این موضوع احساس می‌شود.

ب) کمک به برطرف‌سازی مسائل و مشکلاتی که به‌ویژه در مدارس و دانشگاه‌ها در اثر بی‌توجهی به آثار و عواقب بی‌نظمی مشهود است.

ج) ارزش و اهمیت الگوهای انسانی موفق در عرصه نظم برای محقق از یک سو و شناسایی علل و عوامل کم‌رنگ بودن موضوع نظم در زندگی بسیاری از انسان‌ها و حتی افراد تحصیل‌کرده از سوی دیگر.

همچنین اهداف این مقاله را می‌توان به دو دسته هدف نظری و هدف کاربردی تقسیم کرد. منظور از هدف نظری این است که باتوجه به کمبود تحقیقات انجام شده در باب تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن‌بنیان، به‌ویژه با عنایت به دو مؤلفه مبانی و آثار، گامی در جهت رفع این کاستی برداشته و راه برای تحقیقات کاربردی دیگر هموار شود. منظور از هدف کاربردی هم این است که باتوجه به اهمیت نظم و جایگاه مهم و حساس آن در پیشبرد و تکامل جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم، نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند به دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش کمک کند تا با به کار بستن یافته‌های چنین تحقیقاتی، اهداف پیش‌بینی شده نظام آموزشی را با دقت و سهولت بیشتری محقق سازند. در نوشتار حاضر کوشش شده به این سؤال پاسخ داده شود که مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن‌بنیان چیست؟

روش پژوهش

در این نوشتار در گام نخست مبانی تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن‌بنیان با روش قیاسی از آیات و روایات مرتبط استخراج و سپس با روش تحلیل مفهومی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. آنگاه در گام دوم آثار تربیت انسان منظم با روش استنباطی در این متون شناسایی و با بنیان‌های پیش‌گفته مرتبط و تدوین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی عبارت از برجسته‌سازی و بیان نظام‌مند نکات پراکنده ناظر به موضوع و مقوله‌هاست. نقطه شروع این نظریه‌ها، تحقیقات موجود و دانش متخصصان است و فرایند تفسیر آن شامل استنتاج براساس مقوله، کد و روابط آن‌هاست. برون‌داد تحلیل محتوای کیفی قیاسی مفاهیم، مقولات توضیح‌دهنده موضوع در قالب نقشه مفهومی هستند (محسنی‌تبریزی و سلیمی، ۱۳۹۱). منطق قیاسی، از کل به جزء و از نظریه به سمت تجربه و مشاهده حرکت می‌کند. تحلیل محتوای مبتنی بر قیاس زمانی ضرورت می‌یابد که دیدگاه‌های نظری گوناگونی پیرامون موضوع تحقیق وجود دارد و هدف از انجام تحقیق، آزمون نظریه‌های پیشین یا بسط آن‌ها در یک زمینه متفاوت است (تبریزی، ۱۳۹۳).

یافته‌های پژوهش

از آنجاکه موضوع دانش فلسفه تعلیم و تربیت قرآن‌بنیان، تعلیم و تربیت انسان براساس آموزه‌های قرآن است، بنابراین مبانی تربیت انسان منظم به دو دسته مبانی عام و مبانی خاص تقسیم می‌شود.

در این مقاله مبانی عام شامل سه دسته مبانی خداشناختی، هستی‌شناختی و دین‌شناختی و مقوله‌های زیرمجموعی آن‌هاست و مبانی خاص، مبانی انسان‌شناختی با مقوله‌های فرعی زیرمجموعی آن است. همچنین در این مقاله آثار تربیتی انسان منظم نیز بررسی شده که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

مبانی فلسفی تربیت انسان منظم

مقصود از مبانی فلسفی تربیت انسان منظم، آن گروه از گزاره‌های اخباری عقلی و برهانی است که زیربنا و شالوده نظم به حساب می‌آیند. مبانی یا گزاره‌های زیربنایی فلسفی در چندین طبقه، مانند مبانی خداشناختی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی و مبانی دین‌شناختی قابل شناسایی و طبقه‌بندی هستند.

مبانی فلسفی عام تربیت انسان منظم

الف - مبانی خداشناختی

وجود ناظم: نظم درونی و بیرونی موجودات از وجود ناظم حکایت می‌کند. عالم منظوم است و هر منظوم ناظمی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۳۶). «فَالِقَ الْأُصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (انعام، ۹۶). این همان مطلبی است که در قرآن کریم به تعبیر «اتقان صنع» آمده است: «صُنِعَ اللَّهُ الْإِنْدَى اتَّقَنَ كُلَّ شَيْءٍ» (نمل، ۸۸). در بعضی از آیات از همین مطلب به «تقدیر» (اندازه‌گیری) تعبیر می‌شود؛ یعنی در نظم و ترتیب مخلوقات یک نوع حسابگری وجود دارد که به تعبیر دیگر به آن حکیمانه بودن خلقت هم گفته می‌شود. وضع ساختمان موجودات حکایت می‌کند که در این ساختمان، شعور و تدبیر و علم و اراده دخالت داشته و این ساختمان نمی‌تواند ناشی از تصادف مجموعه‌ای از علل باشد. آیه «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَيَّ الْإِبِلَ كَيْفَ خُلِقَتْ. وَ إِلَيَّ السَّمَاءُ كَيْفَ رُفِعَتْ» (غاشیه، ۱۷ و ۱۸) همین مطلب را بیان می‌کند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۴، صص ۹۱ - ۹۵). تعبیر به «اتقان» در آیه ۸۸ سوره نمل به معنی منظم ساختن و محکم کردن است. کسی که این همه حساب و نظم در برنامه آفرینش اوست، مسلماً از کارهایی که شما انجام می‌دهید، آگاه است (مکارم شیرازی، ۱۳۲۴، ج ۱۵، صص ۵۶۱ - ۵۶۷).

نظم موجود در جهان هستی در چهار بخش نظم فاعلی، نظم درونی، نظم بیرونی و نظم غایی مطرح است. نظم فاعلی به این معنی است که جهان آفرینش براساس نظام سبب و مسبب تنظیم شده و آغازگر آن، خدای سبحان است. خدای سبحان در نظام فاعلی معمولاً با اسمای حسناى خالق،

فاطر، مبدع و... ظهور پیدا می‌کند و آیاتی که حد وسط آن‌ها این اسمای مقدس باشد، درصدد بیان نظام فاعلی جهان هستی است. نظم درونی و بیرونی موجودات که حکایت از وجود ناظم حکیم می‌کند، به‌گونه‌ای است که هر موجودی آن‌چنان منظم و مجهز آفریده شده که از دادن همه لوازم مورد نیاز او و جهازی که در تکامل وی نقش دارد، فروگذار نشده است. خداوند در دو جای قرآن از خود به «أحسن الخالقین» یاد کرده است: «... فَبَارِكْ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴) و «أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (صافات، ۱۲۵). زیبایی در خلقت به این معنی است که مخلوق از همه آنچه در رشد و تکامل وی مورد نیاز است، برخوردار باشد: «قَالَ رَبِّنا أَنْذَى أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (طه، ۵۰). «أَنْذَى خَلَقَ فَسَوَّى» (أعلى، ۲). «استوا» به معنی داشتن اعتدال درونی همراه با تأمین ابزار و لوازم مورد نیاز است. مجموع عالم نیز از نظام و انسجام محکمی برخوردار است و همه اجزای آن نسبت به یکدیگر موزون، هماهنگ و مستوی است. نظام غایی به این معناست که هر یک از موجودات هدف و مقصد خاصی را تعقیب می‌کنند. به‌عنوان مثال خداوند در انتهای همان آیه ۵۰ سوره طه می‌فرماید: «تَمَّ هَدَى»؛ یعنی آن را هدایت فرموده است. این قسمت از آیه بیانگر نظم غایی است؛ چون غایت (یعنی هدایت) را بیان کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، صص ۱۱۱ - ۱۰۷).

وحدت ناظم: دلیل دیگر توحید الهی و ربوبی، وحدت نظم است که گواه وحدت ناظم است. هیچ‌کس جز خدای سبحان، اله و رب و خالق جهان نیست؛ زیرا در صورت تعدد خدایان، عالم فاسد می‌شود: «وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (بقره، ۱۶۳) (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۹). جهت ذاتی هویت انسان رو به خداست (روم، ۳۰) (علم/الهدی، ۱۳۸۹، ص ۳۹۱). برای تبیین وحدت ناظم می‌توان از دو راه وحدت علت فاعلی و وحدت علت غایی وارد شد:

وحدت علت فاعلی: همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، خدای متعال در بخش نظام فاعلی با شماری از اسمای حسنا تجلی می‌کند که یکی از آن‌ها خالق است. در اینجا یکی از شواهد قرآنی درباره این نام نیکو ذکر می‌شود: «وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَيْفَ يَقُولَنَّ اللَّهُ قُلْ أَمَّا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ» (زمر، ۳۸). آفرینش و خلقت به‌عنوان تجلی اراده ربانی، نوعی منشأ و مبدأ وحدانی دارد. به استناد آیه ۲۲ سوره انبیاء که می‌فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»، ماهیت آفرینش در درجه نخست تبعیت کل کائنات از نظم خداوندگاری است؛ نظمی که در طبیعت و کائنات قرار داده شده و مهم‌ترین کارکرد آن مانع شدن از هرگونه هرج و مرج در هستی و هدفمند بودن هستی است (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۲، ص ۹۲).

وحدت علت غایی: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» (رعد، ۲). علامه طباطبایی در ذیل این آیه گفته است: «تدبیر» به معنای این است که چیزی را دنبال چیزی بیاوری و مقصود از آن این است که اشیای متعدد و مختلف را طوری تنظیم کنی و ترتیب دهی که هر کدام در جای خاص خود قرار بگیرد؛ به طوری که به محض تنظیم، آن غرضی که از هر کدام آن‌ها داری و فایده‌ای که هر کدام دارد، حاصل شود. تدبیر امر عالم هم به همین معناست که اجزای آن را به بهترین و محکم‌ترین نظم منظم سازد؛ به طوری که هر چیزی به سوی غایت آن متوجه گشته و سیر کند و همین آخرین کمالی است که مخصوص به اوست. به طوری که سرپای عالم هم متوجه غایت کلی خود که همان رجوع و بازگشت به خداست بشود و در نتیجه بعد از دنیا آخرت هویدا شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، صص ۳۹۵ - ۳۹۴).

ب - مبانی هستی‌شناختی

آفرینش منظم و مرحله‌مند جهان: اسلام ساحت‌های گوناگونی برای هستی قائل است، جهان هستی را به مادی و مجرد تقسیم می‌کند و ملک و ملکوت را برای هستی می‌پذیرد. علاوه بر این تقسیم هستی ممکنات به دنیوی و اخروی نیز تحقق دارد (خسروپناه، ۱۳۹۴، صص ۱۳۱ - ۱۳۰). جهان، موزون و متعادل است؛ چرا که اگر موزون و متعادل نبود، برپا نبود و نظم و حساب و جریان مشخصی نداشت. در قرآن کریم آمده است: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ. أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ. وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن، ۷ و ۹). در کار عالم، حساب و نظم برقرار است و چیزی بی حساب و بی قاعده وجود ندارد. «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» (الرحمن، ۵). «حَسَبٌ» یعنی حساب کرد؛ یعنی در حرکاتی که این‌ها دارند حساب و نظمی در کار است. بی نظمی در کار عالم وجود ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، صص ۲۳۱ - ۲۳۰).

در دستگاه خلقت، هر پدیده‌ای جای خاصی دارد و مأموریت و کار ویژه‌ای بر عهده اوست. کرات آسمانی در مدار معینی حرکت می‌کنند. فصول سال و گذشت شب و روز نظم خاصی دارند و خلقت اشیاء از اندازه، حد و میزان خاصی برخوردار است. خدای تعالی می‌فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر، ۴۹). به عنوان نمونه: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (اعراف، ۵۴). خداوند مجموعه زمین و آسمان را در شش دوران متوالی آفریده است. آفرینش

اگر در یک لحظه بود، کمتر می‌توانست از عظمت و قدرت و علم آفریدگار حکایت کند؛ اما هنگامی که در مراحل مختلف و چهره‌های گوناگون و بر طبق برنامه‌های منظم و حساب‌شده انجام گیرد، دلیل روشن‌تری برای شناسایی آفریدگار خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، صص ۲۰۳ - ۲۰۲).

ج - مبانی دین‌شناختی

تقدم نزول آیات مکی (اعتقادی) بر آیات مدنی (عملی): تقدم در آیات مکی بر مدنی نیز گویای یک نوع نظم است که به آن نظم دین‌شناختی گفته می‌شود. معمولاً آنچه از قرآن تا پیش از هجرت پیامبر اکرم ﷺ نازل شده، مکی شمرده می‌شود و بیشتر سوره‌های قرآن، به‌ویژه سوره‌های کوچک از این دسته‌اند. آنچه بعد از هجرت نازل شده، مدنی خوانده می‌شود؛ اگرچه در خارج مدینه و حتی در مکه نازل شده باشد (فاضلی، ۱۳۸۶، ص ۹۹). سراسر آیات قرآن حاکی از نظم سرشار موجود در آن است. به‌طور مثال آیات مکی و آیات مدنی که برحسب محتوا از هم متفاوت هستند و طی ۲۳ سال به مقتضای شرایط نازل شده‌اند. آیات مکی به‌بیان مبانی اعتقادی و حکمت نظری می‌پردازند و به همین دلیل بر آیات مدنی تقدم زمانی دارند و در سیزده سال اول بعثت نازل شده‌اند تا بنیة اعتقادی افراد را پایه‌ریزی نمایند. آیات مدنی نیز در ده سال نازل شدند و به بیان حکمت عملی می‌پردازند که این خود یکی از مصادیق نظم در قرآن است و می‌تواند برای متریبان الگو قرار گیرد.

راز تفاوت اساسی مضامین سوره مکی و مدنی قرآن کریم، اختلاف فضای نزول آن است؛ براین‌اساس مخاطبان سوره‌های مکی نوعاً مشرکان هستند و محور اساسی محتوای این سوره‌ها تبیین اصول سه‌گانه دین است. ولی مخاطبان سوره‌های مدنی نوعاً مؤمنان یا اهل کتاب یا منافقاند. از این رو سخن از جهاد، مناظره با یهود و نصارا و کارشکنی علنی منافقان، تنها در سوره‌های مدنی مطرح است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۵).

خداوند در سوره‌های «مکی» به اندیشیدن درباره اسرار نظام آفرینش به‌ویژه آسمان‌ها دعوت می‌کند تا از راه نظم، به توحید ناظم و حکمت او پی ببرند. مانند «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ» (اعراف، ۱۸۵) (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۵۴۱). همچنین در قرآن آمده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْآيَاتِ قُلْ هِيَ مَوْعِثُ النَّاسِ وَالْحَجِّ...» (بقره، ۱۸۹). این آیه در سوره‌ای «مدنی» آمده است. آیه مورد بحث تکمله‌ای برای احکام روزه و ماه مبارک رمضان است (جوادی

آملی، ۱۳۸۸، ص ۵۳۱). در آیه دیگری نیز چنین آمده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره، ۴۳) (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۴، صص ۱۱۵ - ۱۱۱).

نظم درونی آیات: شماری از آیات قرآن کریم از چنان ساختار و شاکله‌ای برخوردارند که قسمت‌های مختلف یک آیه، مبین قسمت‌های دیگر است. به‌عنوان مثال هر بخشی از آیه‌الکرسی، بیان لازم بخش پیش از خود است؛ چنان‌که قیومیت مطلق «الْحَى الْقَيُّوم» لازم الوهیت مطلق است: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ». همچنین مالکیت مطلق بر آسمان‌ها و زمین و همه موجودات آن‌ها: «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» لازم قیومیت مطلق الهی است و احاطه علمی یا ربوبیت مطلق: «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» لازم مالکیت مطلق الهی است. فقره پایانی آیه: «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» نیز لازم همه بخش‌های پیش از خود است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۱۰۲).

نظم در تشریح: همه آیاتی که درباره قوانین و مقررات الهی نازل شده، برقرارکننده نظم و برنامه در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است. با این بیان، قرآن همواره پیروان خویش را به داشتن یک برنامه صحیح و منظم دعوت می‌کند و خواستار آن است که مسلمانان در زندگی به اصول و مقررات الهی پایبند بوده، طبق برنامه‌ای که خدا برای آنان تنظیم کرده، زندگی کنند و هیچ‌گاه از حدود الهی گام فراتر نگذارند. به‌عنوان مثال خداوند در قرآن برای انجام عبادت‌های اسلامی، وقت و برنامه‌ای تنظیم کرده تا همه مسلمانان در آن وقت معین به عبادت بپردازند. چنانکه برای روزه گرفتن، ماه مبارک رمضان را معلوم کرده و ابتدا و انتهای روزه هر روز را معلوم کرده و می‌فرماید: «...كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ...» (بقره، ۱۸۷). همچنین در خصوص نماز می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (اسراء، ۷۸).

تقدم ایمان بر عمل صالح: در فرهنگ قرآن هر جا سخن از «ایمان» آورده شده، پس از آن «عمل صالح» نیز ذکر شده است. درواقع خداوند به ایمان در درجه اول اهمیت داده و عمل صالح را فرع ایمان دانسته است. ازجمله: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...» (بقره، ۲۵). در بسیاری از آیات قرآن، ایمان و عمل صالح در کنار هم واقع شده‌اند؛ زیرا ایمان و عمل مکمل یکدیگرند. در آیه ۱۱ سوره طلاق می‌خوانیم: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۲). در آیات قرآن غالباً «عمل صالح» همراه «ایمان» به‌عنوان لازم و ملزوم یکدیگر آمده است (مکارم شیرازی،

۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۳۰۱). برخی از دیگر شواهد قرآنی در باب تقدم ایمان بر عمل صالح چنین است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (عصر، ۲ و ۳) و مراد از ایمان، ایمان به خدا، مراد از ایمان به خدا، ایمان به همه رسولان او و مراد از ایمان به رسولان او اطاعت و پیروی از ایشان و ایمان به روز جزا است. جمله «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» بر عمل به همه اعمال صالح دلالت دارد و از آن استفاده می‌شود که مؤمنان گنهگار نیز در خسرانند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، صص ۶۱۱ - ۶۱۰). «الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» (فاطر، ۷). در مورد استحقاق عذاب تنها به مسئله «کفر» قناعت می‌کند، ولی در مسئله مغفرت و اجر کبیر «ایمان» را کافی نمی‌شمرد، بلکه «عمل صالح» را نیز بر آن می‌افزاید؛ چرا که کفر به تنهایی مایه خلود در عذاب است، ولی ایمان بدون عمل مایه نجات نخواهد بود. درواقع ایمان و عمل متلازم و قرین یکدیگرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۸۵).

مبانی فلسفی خاص تربیت انسان منظم، مبانی انسان‌شناختی

الف - آفرینش منظم و مرحله‌مند انسان

حقیقت انسان، همانند کتابی است که نیازمند شرح است و شارح این کتاب هم کسی جز مصنف آن، یعنی پروردگار و آفریننده آن نمی‌تواند باشد (خسروی‌پناه، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷). اگر آدمی با استفاده از علم الهی به خودشناسی بپردازد، با زیبایی‌های نهفته در درون خویش آشنا تر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۵). «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ قَتَابَرَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴ - ۱۲). نخستین آیه به آغاز وجود همه انسان‌ها اشاره می‌کند که همه از گل برخاسته‌اند به خاک باز می‌گردند. اما خداوند در دومین آیه توجه افراد را به تداوم نسل آدم جلب کرده و بعد به مراحل شگفت‌آور سیر نطفه در رحم مادر و ظاهر شدن چهره‌های گوناگون خلقت در آن قرارگاه امن اشاره می‌کند. این چهار مرحله متفاوت به اضافه مرحله نطفه بودن، مراحل پنج‌گانه آفرینش انسان را تشکیل می‌دهد. همچنین در پایان آیه به آخرین مرحله که درواقع مهم‌ترین مرحله آفرینش بشر است، اشاره کرده است. جالب اینکه در مراحل پنج‌گانه‌ای که برای آفرینش انسان در آیه فوق ذکر شده، همه جا تعبیر به «خلق» شده، اما هنگامی که به آخرین مرحله می‌رسد تعبیر به «انشاء» می‌کند. «انشاء» به معنی ایجاد کردن چیزی توأم با تربیت آن است. این تعبیر نشان می‌دهد که مرحله آخر با مراحل قبل (مرحله نطفه و علقه و مضغه و گوشت و استخوان) کاملاً متفاوت است.

این همان مرحله‌ای است که جنین وارد مرحله حیات انسانی می‌شود، حس و حرکت پیدا می‌کند و به جنبش در می‌آید که در روایات اسلامی از آن به مرحله «نفخ روح» (دمیدن روح در کالبد) تعبیر شده است. اینجاست که انسان با یک جهش بزرگ، زندگی نباتی و گیاهی را پشت سر گذاشته و گام به جهان حیوانات و از آن برتر به جهان انسان‌ها می‌گذارد. در اینجاست که خداوند به انسان شایستگی خلافت خدا در زمین را می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، صص ۲۱۳-۲۰۷).

در آیه دیگری چنین آمده است: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ. أَلَمْ يَخْلُقْكَ فَسَوَّاكَ فَعَلَكَ. فِي آيٍ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» (انفطار، ۸ - ۶). خداوند انسان را با همه اجزای وجودش خلق کرده و سپس به تسویه‌اش پرداخته است. یعنی هر عضو او را در جای مناسبش که حکمت اقتضای آن را دارد، قرار داده و سپس به عدل‌بندی او پرداخته است. بعضی از اعضاء و قوایش را با بعضی دیگر معادل قرار داده و بین آن‌ها توازن و تعادل برقرار کرده که همه این‌ها مظاهری از تدبیر خدای تعالی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، صص ۳۷۰ - ۳۶۸).

ب - نظم‌شناسی فطری

تلاش همه مربیان الهی این بوده که مردمان را بر فطرت به‌سوی حقیقت هستی سیر دهند. برای همین مربیان الهی با زبان فطرت سخن می‌گویند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، صص ۹۴ - ۹۳). توجه دادن قرآن کریم به نظم شگفت‌انگیزی که به‌عنوان یک حقیقت مسلم و انکارناپذیر در جای جای پهنه جهان و انسان (آیات آفاقی و انفسی) وجود دارد، نشان از آن دارد که توانایی فطری و غیر اکتسابی ویژه‌ای در وجود انسان برای شناسایی نظم حاکم بر جهان آفرینش در کار است. در ادامه با توجه به دو ملاک آفاقی و انفسی بودن، با نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم در این مورد آشنا می‌شویم.

در پهنه آفاق: آیات آفاقی، نشانه‌های عظمت پروردگار متعال در بیرون از وجود انسان است. در قرآن کریم بارها بر ضرورتی در آیات آفاقی تأکید شده است. خداوند در آیه ۲۰ سوره عنکبوت می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». واژه «نشئه» در اصل به معنی ایجاد و تربیت چیزی است و گاه از دنیا به «نشئه اولی» و از قیامت به «نشئه آخرت» تعبیر می‌شود. این آیه مردم را به «سیر آفاقی» در مسئله معاد دعوت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۳۸). «قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالتُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» (یونس، ۱۰۱). نظر کنید به آنچه در آسمان‌ها و زمین است از مخلوقات گوناگونی که هر یک آیتی از آیات خداست و به ایمان دعوت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج

۱۰، صص ۱۸۹ - ۱۸۸). پیامبر ﷺ سه برنامه مهم را اجرا می‌کند: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (آل عمران، ۱۶۴). نخست خواندن آیات پروردگار بر آن‌ها و آشنا ساختن گوش‌ها و افکار با این آیات، دوم تعلیم، یعنی وارد ساختن این حقایق در درون جان آن‌ها و به دنبال آن، تزکیه نفوس و تربیت ملکات اخلاقی و انسانی. اما از آنجا که هدف اصلی و نهایی تربیت است، تربیت در این آیه قبل از تعلیم ذکر شده، درحالی که از نظر تربیت طبیعی، تعلیم بر تربیت مقدم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۰).

در پهنه انفس: آیات انفسی، نشانه‌های خدا در وجود خود انسان است که در ادامه به برخی شواهد قرآنی آن اشاره می‌شود. «وَ مِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ اِذَا اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ» (روم، ۲۰). در این آیه به دو نشانه عظمت الهی اشاره شده است: یکی آفرینش انسان از خاک و دیگر تکثیر نسل انسان و انتشار فرزندان آدم در سراسر روی زمین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۱). همچنین خداوند متعال می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ. خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ. يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ. اِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» (طارق، ۸ - ۵). قرآن دست همه انسان‌ها را گرفته و به خلقت نخستین باز می‌گرداند و با یک جمله استفهامیه از آن‌ها می‌پرسد آفرینش شما از چه بوده است؟ در آغاز خاک بود و سپس بعد از طی مراحلی به صورت نطفه درآمد و نطفه نیز بعد از طی مراحل پیچیده و شگفت‌انگیز، به انسان کاملی تبدیل شد. بنابراین بازگشت او به حیات و زندگی مجدد هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند. نظیر این بیان در آیات دیگر قرآن نیز دیده می‌شود، از جمله در آیه ۵ سوره حج: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَاِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، صص ۳۶۸ - ۳۶۴).

در پایان یک آیه شریفه قرآنی را ذکر می‌کنیم که جامع نظم‌شناسی فطری هم در پهنه آفاق و هم در عرصه انفس است: «وَ فِي الْاَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَ فِي اَنْفُسِكُمْ اَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات، ۲۱ - ۲۰). در آیات مورد بحث، سخن از نشانه‌های خدا در زمین و در وجود خود انسان است تا افراد از یک سو با مسئله توحید و شناخت خدا و صفات او که مبدأ حرکت به سوی همه خیرات است آشنا شوند و از سوی دیگر به قدرت او بر مسئله معاد و زندگی پس از مرگ برسند؛ چرا که خالق حیات در روی زمین و این همه عجائب و شگفتی‌ها قادر بر تجدید حیات نیز هست. به راستی نشانه‌های حق و قدرت بی‌پایان و علم و حکمت نامحدود خدا در همین کره خاکی آنقدر فراوان است که عمر هیچ

۱- «ای مردم! اگر در رستخیز تردید دارید، ما شما را از خاک آفریدیم و سپس از نطفه» (حج، ۵).

انسانی برای شناخت همه آن‌ها کافی نیست. بدون شک انسان اعجوبه عالم هستی است و آنچه در عالم کبیر است در این عالم صغیر نیز وجود دارد. چه بسا عجایی در آن است که در هیچ جای جهان نیست. تعبیر به «أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (آیا نمی‌بینید) تعبیر لطیفی است؛ یعنی این آیات الهی در گرداگرد شما در درون جان شما، در سراسر پیکر شما، گسترده است. اگر اندکی چشم باز کنید می‌بینید و روح شما از درک عظمتش سیراب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، صص ۳۳۴ - ۳۲۹).

آثار تربیت انسان منظم

این آثار در دو بخش قابل بررسی است:

الف - آثار نظم در بخش نظر:

رعایت تقدم و تأخر در مراحل تفکر: اساساً عمل فکر کردن، چیزی جز نظم دادن به معلومات و پایه قرار دادن آن‌ها برای کشف یک امر جدید نیست. همچنین درست حرکت کردن ذهن نیز چیزی جز درست ترتیب دادن و درست شکل دادن به معلومات نیست (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۴، صص ۴۶ - ۴۵). به این ترتیب انسان منظم کسی است که به دلیل نهادینه شدن نظم در وجود وی، در مرحله تفکر و اندیشه‌گری - که برترین یا یکی از برترین وجوه تمایز انسان از حیوانات است - نیز تقدم و تأخر را به دقت مراعات می‌کند.

دوراندیشی: آینده‌نگری نوعی تدبیر است که هر انسان عاقلی به آن نیاز دارد. هر کسی باید برای زندگی آینده و هدف خود برنامه‌ریزی داشته و برای رسیدن به آن تلاش و کوشش کند. این امر موجب بروز احساس آرامش و نشاط و امید به زندگی در افراد خواهد شد. در آیه ۱۸ سوره حشر آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتَنْتَظِرْ نَفْسَ مَا قَدَّمَتْ لَعْدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ». این آیه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و آینده‌نگری از اصول ضروری یک زندگی خردمندانه است. فراهم کردن فرصت پیش‌بینی، حدس، خیال‌پردازی و توقف نکردن در زمان گذشته، از جمله مصادیق عملی این روش به حساب می‌آیند» (رشیدی، کشاورز، بهشتی و صالحی، ۱۳۹۶).

ب - آثار نظم در بخش عمل:

برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت: متریبان را باید به برنامه‌ریزی منظم برای امور زندگی عادت داد. نظم یعنی طبقه‌بندی کردن و چینش قاعده‌مند برنامه‌ها و نظم ذهنی به زمینه‌های اثری و یادگیری محیطی و برنامه‌ریزی درست برای ایجاد پیش‌نیازهای لازم وابسته است

(ادیب، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹). شأن انسان عاقل، نظم و برنامه‌ریزی است و سیره پیامبران بر برنامه‌ریزی و نظم الهی استوار بوده است. برای چنین انسانی به اذن خدا مقصد، راه و روش روشن است و چنین فردی در رویارویی با حوادث پیش آمده و مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیز با برنامه الهی عمل می‌کند (اکبری دستک، ۱۳۹۰). بادقت در قرآن کریم مشاهده می‌شود که خداوند به تدریج برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را توسط انبیاء و پیامبران ارائه و دین را کامل کرده که این نشان‌دهنده برنامه‌محوری آیین الهی است.

احترام به قانون و مقررات: قانون‌مداری و رعایت نظم، لازمه رشد و تعالی یک جامعه است. هیچ قانونی به ثمر نمی‌رسد مگر با ایمانی که آن ایمان با اخلاق کریمه حفظ و آن اخلاق هم با توحید ضمانت شود» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۱، ص ۲۱۰). علامه طباطبایی ضرورت نظم و قانون در جامعه را براساس طبع استخدام‌گر انسان تبیین کرده است. در سایه این نظم عادلانه است که جامعه شکل می‌گیرد، حیثیت اجتماعی انسان ظهور می‌کند و حیات اجتماعی افراد تحقق می‌یابد. خداوند در قرآن کریم کسانی را که میان اندیشه و رفتار و کردار و گفتار آنان هماهنگی نیست و هماهنگ با علم خود حرکت نمی‌کنند، همچنین به لازمه یقین‌شان ملتزم نمی‌شوند و گفتارهای گوناگون دارند، افرادی مبتلا به بی‌نظمی معرفی می‌فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ» (ق، ۵). نظم بدون قانون تحقق نمی‌یابد و قانون صحیح، قانونی است که برای شکوفایی استعدادها، انسان، برنامه‌ریزی درستی در آن شده باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، صص ۵۲ - ۵۰).

وقت‌شناسی: حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَاتَّهَرُوا فُرْصَةَ الْخَيْرِ» (شریف رضی، حکمت ۲۱). پیامبران و امامان علیهم‌السلام به‌طور مکرر مردم را به اغتنام فرصت‌ها و استفاده صحیح از وقت و پرهیز از شتاب‌زدگی و سستی در انجام امور سفارش کرده و خود در این راستا الگو بودند. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مِنَ الْخُرْقِ الْمَعْجَلَةُ قَبْلَ الْإِمْكَانِ، وَالْآنَاءُ بَعْدَ الْفُرْصَةِ» (شریف رضی، حکمت ۳۶۳). امام جعفر صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «الْأَيَّامُ ثَلَاثَةٌ: فَيَوْمٌ مَضَى لَا يُدْرِكُ. وَ يَوْمٌ الْإِنْسَانُ فِيهِ، فَيَنْبَغِي أَنْ يَغْتَمُوهُ. وَ غَدًا إِنَّمَا فِي أَيْدِيهِمْ أَمَلُهُ» (حرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۳). بر همین اساس امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعای خود به خداوند عرض می‌کند: «وَ عَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمُرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰). الگوهای موفق همواره برای زمان ارزش خاص قائل بوده، قدر فرصت‌ها را می‌دانند و نیز در زمان گذشته متوقف نیستند. کارهای عقب‌مانده ناشی از بی‌نظمی بر عملکرد فرد اثر منفی بر جای خواهند گذاشت و کارایی و اثربخشی فرد را کاهش خواهد داد.

تسریع در رسیدن به اهداف زندگی: خداوند در تعریف انسان باایمان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون، ۳). زندگی فردی و اجتماعی، هیچکدام بدون یک نظم صحیح به سامان نمی‌رسد. به همین دلیل خداوند اسباب این نظم را در اختیار انسان قرار داده و حرکات منظم کره زمین به دور خود و به دور خورشید و همچنین گردش منظم ماه را وسیله‌ای برای نظام زمان‌بندی قرار داده تا برنامه‌های زندگی اعم از مادی و معنوی، تحت نظام درآید. خداوند در آیه ۵ سوره یونس می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا وَ قَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّيِّئِينَ وَ الْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴). بی‌شک بی‌نظمی مانع بزرگی بر سر راه پیشرفت انسان است. افراد منظم از انجام کارهای غیرضرور و بی‌فایده پرهیز کرده و بیشتر تمرکز خود را صرف اهداف اساسی می‌کنند و این‌چنین فرایند رسیدن به هدف را تسهیل می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن‌بنیان به بحث گذاشته شد. در قسمت مبانی نیز گفته شد که چون موضوع دانش فلسفه تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت انسان است، بنابراین مبانی تربیت انسان منظم به دو دسته مبانی عام و مبانی خاص تقسیم می‌شود. مبانی عام در این مقاله شامل مبانی خداشناختی، هستی‌شناختی و دین‌شناختی است و مبانی خاص در واقع مبانی انسان‌شناختی است. مبانی خداشناختی شامل (وجود ناظم، وحدت علت فاعلی ناظم و وحدت علت غایی ناظم)، مبانی هستی‌شناختی شامل (آفرینش منظم و مرحله‌مند جهان) و مبانی دین‌شناختی شامل (تقدم نزول آیات مکی بر آیات مدنی، نظم درونی آیات، نظم در تشریح و تقدم ایمان بر عمل صالح) است. مبانی خاص یعنی مبانی انسان‌شناختی هم شامل (آفرینش منظم و مرحله‌مند انسان و نظم‌شناسی فطری در پهنه آفاق و انفس) است. در قسمت دوم نیز آثار تربیت انسان منظم به دو دسته آثار نظری و آثار عملی تقسیم شد. آثار نظری شامل (رعایت تقدم و تأخر در مراحل تفکر و دوراندیشی) است و آثار عملی شامل (برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت و احترام به قانون و مقررات، وقت‌شناسی و تسریع در رسیدن به اهداف زندگی) است. خداوند حکیم که نظم را در سراسر عالم قرار داده، همین نظم را در زندگی انسان‌ها و روابط اجتماعی آنان نیز می‌پسندد. از این‌رو شایسته است که انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود، نظم و ترتیب در امور را مراعات کند. اسلام نیز به‌عنوان دینی کامل و جهانی، به نظم در زندگی اهمیت فراوان داده و به

پیروان خویش سفارش کرده که تمام کارهای خود را طبق قانون و به صورت منظم انجام داده و از بی برنامه بودن بپرهیزند. تمام احکام اسلامی از قبیل واجبات، مستحبات، محرمات، مکروهات و... در راستای برنامه دقیق و نظم دادن به مسلمانان ارائه شده که آنان را تحت نظم خاصی در آورد و افراد را متوجه این امر مهم کند. همچنین باتوجه به تأثیرگذاری نظم در بعد روان شناختی انسان و نقش کمک دهنده آن در حفظ آرامش، لازم است بیش از پیش به آن توجه و دقت لازم شود. بدین منظور می بایست افراد همواره برای خود اهدافی تعیین کرده و برای رسیدن به این اهداف برنامه ریزی کنند. هر روز اهداف را مرور و به اهداف بعدی فکر کنند. وظایف خود را اولویت بندی کرده و مسئولیت اعمال خود را بپذیرند. همچنین از مهم ترین راه های دستیابی به نظم، تقسیم وقت است. معاشرت و تعاملات گسترده و مستمر با افراد منظم و الگوگیری از آن ها نقش مؤثری در ملکه شدن این ویژگی در افراد خواهد داشت. افراد می توانند پس از کسب موفقیت در اجرای به موقع برنامه ها به خود پاداش دهند تا انگیزه ای برای منظم ماندن شان شود. برای منظم ماندن، باید طرز فکر و سبک زندگی فرد تغییر داده شود تا فرد به تدریج هر کاری را در زمان تعیین شده انجام دهد. طبیعتاً با رعایت نظم و انضباط، افراد کم تر دچار استرس خواهند شد و همچنین در ارتباطات اجتماعی نیز موفقیت بیشتری به دست خواهند آورد.

منابع

- قرآن کریم. (ناصر مکارم شیرازی مترجم).
- صحیفه سجادیه. (۱۳۹۱). (مهدی الهی قمشه‌ای مترجم). چ ۴. اصفهان: شهید فهمیده.
- ابن منظور، م. (۱۴۰۵). *لسان العرب*. قم: ادب الحوزه.
- ابن شعبه حرانی، ح. (۱۳۹۲). *تحف العقول* (محمدباقر کمره‌ای مترجم). چ ۱۳. تهران: نشر آل علی علیه السلام.
- ادیب، م. (۱۳۹۲). *تربیت دینی کودک و نوجوان: نکته‌ها و روش‌ها*. تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- اکبری دستک، ف. (۱۳۹۰). *نظم و انضباط در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و نقش آن در موفقیت ایشان در دعوت جهانی خویش*. سفینه، ۳۱، ۸۷-۷۲.
- البستانی، ف. (۱۳۸۹). *فرهنگ جدید عربی - فارسی: منجدالطلاب* (محمد بندرریگی مترجم). تهران: اسلامی.
- ایمان، م. و کلاته ساداتی، ا. (۱۳۹۲). *روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان (ارائه مدلی روش‌شناختی از علم اسلامی)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهشتی، س. (۱۳۸۹). *تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- بهشتی، س. (۱۳۹۶). *نظریه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه (نظریه حکمت متعالیه تعلیم و تربیت) مفهوم‌شناسی و روش‌شناسی*. قبسات، ۲۲ (۸۳)، ۷۱-۳۷.
- تیریزی، م. (۱۳۹۳). *تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی*. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۱ (۶۴)، ۱۳۸-۱۰۵.
- جلایان اکبرنیا، ع. (۱۳۸۶). *نظم و انضباط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*. الهیات و حقوق، ۲۵، ۶۷-۹۴.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۹). *ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۳). *توحید در قرآن*. چ ۱. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم*. ج ۷، ۸، ۹ و ۱۲. چ ۴. قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*. ج ۲ و ۴. چ ۶. قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۹۳). *صورت و سیرت انسان در قرآن*. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۹۰). *تبیین براهین اثبات خدا*. چ ۶. قم: اسراء.

- خسروپناه، ع. (۱۳۹۴). *فلسفه علوم انسانی (بنیادهای نظری)*. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
- داوودی، م. و حسینی‌زاده، ع. (۱۳۸۹). *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). دلشادتهرانی، م. (۱۳۸۵). *سیری در تربیت اسلامی*. چ ۹. تهران: دریا.
- دهخدا، ع. (۱۳۹۵). *لغت‌نامه دهخدا*. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- رشیدی، ش.؛ کشاورز، س.؛ بهشتی، س.؛ صالحی، ا. (۱۳۹۶). *ارائه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت‌شناختی قرآن کریم*. فصلنامه *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳، ۳۶-۷.
- رضایی، ص.؛ بهشتی، س.؛ رفیعی، ح. (۱۳۹۵). *تبیین راهکارهای نظارت انتظامی بر جامعه در سیره امام علی علیه‌السلام*. *دانش انتظامی*، ۷۱، ۶۹-۱۰۰.
- سعادت، ا. (۱۳۸۶). *مدیریت منابع انسانی*. چ ۱۲. تهران: سمت.
- سیف، ع. (۱۳۹۶). *روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش*. تهران: نشر دوران.
- شریعت‌مداری، ع. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی تربیتی*. تهران: امیرکبیر.
- شریف رضی، م. (۱۳۷۹). *نهج البلاغه (محمد دشتی مترجم)*. قم: نشر مشهور.
- شکوهی، غ. (۱۳۹۴). *تعلیم و تربیت و مراحل آن*. چ ۲۴. مشهد: به نشر.
- طباطبایی، م. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیرالمیزان (محمدباقر موسوی همدانی مترجم)* (جلد ۱۰، ۱۱ و ۲۰). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، م. (۱۳۹۳). *ترجمه تفسیرالمیزان (محمدباقر موسوی همدانی مترجم)* (جلد ۱۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طیبی، ع.؛ ابراهیمی، ا.؛ جفرسته، ف. (۱۳۹۶). *بررسی نظم در معانی افعال و مشتقات قرآنی با فاء‌العمل (حرف فاء) مشترک*. *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، ۵ (۱۸)، ۱۶۵-۱۵۳.
- عاملی، ح. (۱۳۹۴). *جهاد با نفس (از وسائل الشیعه) (غلامحسین انصاری مترجم)*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- علم‌الهدی، ج. (۱۳۸۹). *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- فاضلی، ق. (۱۳۸۶). *نم‌یم (قرآن‌شناسی عرفانی) (خلاصه قرآن در اسلام)*. تهران: فضیلت علم.
- فتحعلی، م.؛ مصباح، م.؛ یوسفیان، ح. (۱۳۹۰). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه.
- قرشی، ع. (۱۳۹۰). *قاموس قرآن (جلد ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- قریب، م. (۱۳۶۷). *واژه‌نامه نوین*. تهران: بنیاد.
- محسنی تبریزی، ع. و سلیمی، ع. (۱۳۹۱). تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی. *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۸ (۷۲)، ۱۵۹-۱۳۵.
- محمودی، م.؛ خادمی، ب.؛ له‌گانی، ف. (۱۳۹۶). بررسی و شناسایی شیوه‌های مؤثر ایجاد مدیریت و انضباط کلاس. *مطالعات آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری*، ۳ (۸)، ۲۷-۱۷.
- مطهری، م. (۱۳۵۸). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری* (جلد ۴). تهران: قم: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۹۶). *عدل الهی*. چ ۴۹. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه* (جلد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۸، ۲۲ و ۲۶). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منتظر، ف. و محمدی منفرد، ب. (۱۳۹۵). مفهوم‌شناسی وجدان اخلاقی و گستره تأثیرگذاری آن در نظم عمومی. *پژوهش‌نامه اخلاق*، ۳۱، ۱۰۶-۸۷.
- مولایی، ا. (۱۳۹۶). تبیین نظم شهر اسلامی براساس احکام ثابت. *فلسفه دین*، ۱۴ (۴)، ۸۷۸-۸۵۵.
- نراقی، ا. (۱۳۹۲). *معراج السعاده*. چ ۷. قم: علویون.
- هاشمیان‌فرد، ز. و ابراهیمی، م. (۱۳۹۶). مقایسه آرای مفسران در مورد مدیریت فرهنگی و توسعه فرهنگ نظم و انضباط در قرآن. *مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی*، ۴، ۹۴-۶۹.